

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی  
گروه علوم سیاسی

## رساله دکتری رشته علوم سیاسی

**بازخوانی فلسفه مدنی خواجه نصیرالدین طوسی با تاکید بر بازسازی جوامع**

**پس از فروپاشی**

استاد راهنما:

دکتر موسی نجفی

استادان مشاور:

دکتر شهرام یوسفی فر

دکتر موسی فقیه حقانی

پژوهشگر:

ابراهیم شفیعی پور

مهر ۹۶

## پاسکزاری

پروردگارا؛ تو را به پاس همه توفیقاتی که در زندگی بر من روا داشته‌ای، شکر گزارم. این مرحله از زندگی نبرتی مبرقور من می‌سوزنود، الحمد لله.

بر خود واجب می‌دانم از زحمات همه کسانی که در همه مقاطع تحصیلی از مدرسه مهد دانش شهربابلی، مدرسه شهید کاظم‌مکی شهربابلی، دانشگاه مازندران، دانشگاه

تهران تا پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به من درس زیستن آموختند، تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر نخعی به سبب پذیرش راهنمایی رساله و تمام زحماتی که در راه تدوین این رساله کشیدند سپاسگزارم. همچنین از اساتید محترم

آقایان دکتر یوسفی فرد و دکتر حنائی که زحمت مشاوری را کشیدند کمال سپاسگزاری را دارم.

از اساتید محترم جناب آقایان دکتر رجبی دوانی، دکتر مقدم حیدری و دکتر شجاعی که با ارزیابی خود ضمن کاستن از نواقص رساله، پیشنهادات ارزشمندی در

راستی ارتقای این اثر داشته‌اند، سپاسگزارم.

همچنین از عزیزانم که در همه مراحل زندگی یار و همراه من بوده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم. از پدر و مادر عزیزم که در مسیر تحصیل نا‌همواری‌ها را بر من هموار نمودند، از

برادران عزیزم و خواهر مهربانم به واسطه حضور بهیشتی‌شان در کنارم سپاسگزاری می‌کنم. از خانواده محترم به‌مهرم نیز به واسطه همه زحماتشان کمال سپاسگزاری را

دارم.

در پایان از به‌مهر عزیزم که با تمام دشواری‌های زندگی مشترک در کنار بنده حضور داشتند و مریاری رسانند، شکر می‌کنم.

تقدیم بہ

ہمسفر عزیزم

## چکیده:

خواجه نصیرالدین با توجه به تحولات اجتماعی - سیاسی آن دوران در پاسخ به ضعف نهاد خلافت، با اتکاء به نظریه امامت شیعی برای پاسخ به بحران هویت در جامعه و همچنین با تأکید بر ضرورت استقرار حکومت عادل با عناصری چون محبت، صداقت، عدالت، تدبیر و قانون برای پاسخگویی به بحران مشروعیت و ناکارآمدی ناشی از نبود نهاد خلافت، فلسفه مدنی خود را طرح ریزی نمود. زوال عنصر خلافت و به تبع آن شکل‌گیری بحران و حضور مغولان و حکومت آنان، خواجه را به تدوین منظومه‌ی فکری جدیدی حول مفهوم عدالت سوق داد. توجه به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خواجه در آن برهه زمانی و بازتاب این اقدامات در نظام معرفتی خواجه از مهمترین مسائل در شناخت آن عصر است. پژوهش حاضر با مطالعه این نظام معرفتی سعی در تبیین و شناخت عوامل موثر در بازسازی نظام سیاسی نوین پس از فروپاشی ساختار سابق آن دارد. به عبارتی، شناسایی عوامل زوال خلافت و پاسخ خواجه به بحران زوال از رهگذر ارائه‌ی فلسفه‌ی مدنی مورد نظر خود و راهکار خواجه برای نظام پسا خلافت، هدف اصلی پژوهش حاضر خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** خواجه نصیر، فلسفه مدنی، سقوط خلافت، عدالت و سیاست.

## فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	۱. بیان مسئله
۵	۲. اهمیت و ضرورت پژوهش
۶	۳. اهداف پژوهش
۶	۴. پرسش پژوهش
۷	۵. فرضیه
۷	۶. روش پژوهش
۷	۷. تعریف مفاهیم
۷	۷-۱. خواجه نصیرالدین طوسی
۸	۷-۲. فلسفه مدنی
۸	۷-۳. سقوط خلافت
۸	۷-۴. پسا خلافت
۸	۷-۵. عدالت
۸	۸. ادبیات پژوهش
۱۰	۹. فصل‌بندی پژوهش
۱۲	فصل دوم: تحولات سیاسی قرن هفتم هجری
۱۳	۱. زوال و انحطاط نهاد خلافت
۱۳	۱-۱. الگوی مطلوب؛ تلاش‌های مجددانه الناصرلدين الله جهت بازسازی اقتدار خلافت

- ۲۰-۱. الگوی ناکارآمدی؛ ضعف حکومتداری المستعصم در آستانهی هجوم مغولان
- ۲۳-۱. سقوط خلافت عباسی
- ۲۹-۲. ورود مغولان به سرزمینهای اسلامی
- ۳۲-۳. لشکرکشی هلاکو به ایران
- ۳۴-۴. سقوط اسماعیلیه
- ۳۷-۵. بحران مشروعیت و درگیریهای مذهبی در قرن هفتم هجری
- ۳۸-۵-۱. شیعیان و احیای هویت و مشروعیت در عصر ایلخانان
- ۴۲-۵-۲. اهل تسنن و بازسازی هویت در عصر ایلخانان
- ۴۴-۵-۲-۱. خاندان جوینی
- ۴۶-۵-۳. اهل تصوف و نقششان در عصر ایلخانان
- ۴۷-۶. سقوط دستگاه خلافت و اجماع نخبگان سیاسی بر سر عمران و آبادانی ممالک اسلامی
- ۵۳-۷. نقش خواجه نصیرالدین و علمای شیعه در سقوط خلافت
- ۵۷-۸. رویکرد خواجه در قبال مغولان
- ۶۲-۹. اهتمام خواجه به ساماندهی علم و دانش در عصر مغولان؛ تاسیس رصدخانه و کتابخانه مراغه
- ۶۴ **فصل سوم: فلسفه مدنی خواجه نصیرالدین طوسی**
- ۶۵-۱. عناصر و اجزای نظام فلسفی خواجه
- ۶۸-۱-۱. هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نزد فارابی
- ۶۸-۱-۱-۱. مبانی هستی‌شناسی نزد فارابی
- ۷۲-۱-۱-۲. مبانی معرفت‌شناسی نزد فارابی

۷۶	۲-۱. هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نزد ابن‌سینا
۷۶	۱-۲-۱. مبانی هستی‌شناسی نزد ابن‌سینا
۷۸	۲-۲-۱. مبانی معرفت‌شناسی نزد ابن‌سینا
۸۲	۳-۱. معرفت‌شناسی نزد خواجه نصیر
۸۹	۴-۱. تاثیر معرفت‌شناسی خواجه بر نظریه سیاسی آن
۹۴	۲. فلسفه مدنی خواجه نصیرالدین طوسی
۹۵	۱-۲. اجتماع فاضله و غیر فاضله در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی
۹۶	۲-۲. مدینه فاضله
۹۹	۳-۲. ارکان مدینه فاضله
۱۰۱	۴-۲. ریاست مدینه فاضله
۱۰۴	۵-۲. دیدگاه کارکردی خواجه در باب نظام سیاسی مطلوب
۱۰۶	۳. جمع‌بندی فصل
۱۱۰	<b>فصل چهارم: فلسفه مدنی خواجه نصیر و بازسازی نظام سیاسی پساخلافت</b>
۱۱۱	مقدمه
۱۱۲	۱. تمدن و تخصص‌گرایی در نگاه خواجه
۱۱۵	۲. عوامل بقای نظام سیاسی در نظر خواجه نصیرالدین (رهیافت کارکردی به حکومت)
۱۱۶	۱-۲. فضیلت محبت
۱۱۹	۲-۲. فضیلت صداقت
۱۲۱	۳-۲. فضیلت عدالت



۱۲۳	۴-۲. فضیلت سیاست
۱۲۶	۲-۵. فضیلت قانون
۱۲۶	۳. قاعده لطف؛ پاسخی به یک مسئله شیعی
۱۲۷	۱-۳. قاعده لطف؛ کنکاش کلامی - فلسفی
۱۳۱	۲-۳. خواجه نصیرالدین و قاعده لطف
۱۳۶	۳-۳. تشیع و مساله امامت و غیبت در اندیشه خواجه
۱۴۱	۴. خواجه نصیر در جستجوی انسجام و همگرایی در عصر بی ثباتی
۱۴۶	فصل پنجم: نتیجه‌گیری (فرجام سخن)
۱۴۷	خواجه در جستجوی درمان در عهد نابه‌سامانی‌ها
۱۶۰	منابع

## فهرست نمودارها

- ۶۸ نمودار شماره ۱. مبانی هستی‌شناسی نزد فارابی
- ۷۲ نمودار شماره ۲. انواع عقل نزد فارابی
- ۷۴ نمودار شماره ۳. انواع شناخت
- ۷۵ نمودار شماره ۴. نسبت عقل و وحی
- ۷۷ نمودار شماره ۵. انواع هستی از نگاه ابن سینا
- ۸۰ نمودار شماره ۶. انواع عقل از نگاه ابن سینا
- ۸۶ نمودار شماره ۷. منابع شناخت از دیدگاه خواجه نصیر
- ۸۹ نمودار شماره ۸. نسبت عقل و وحی

# فصل اول

## کلیات پژوهش

## ۱. بیان مسئله

حیات سیاسی و علمی خواجه نصیرالدین طوسی در بحبوحه زوال عنصر خلافت و ورود عنصر مغولان به سرزمین‌های اسلامی است. وجه اهمیت این اندیشمند سیاستمدار در تاریخ اسلام و ایران قرار گرفتن در این لحظه تاریخی یعنی فتح بغداد است. در آن روزگار با توجه به ضعف مفرط خلافت عباسی و چند دستگی به وجود آمده در ممالک اسلامی، نوعی بی‌هنجاری معرفتی، اجتماعی و سیاسی به وجود آمده بود. ضعف نهاد خلافت، درگیری میان مذاهب (تشیع و اهل سنت) در قرن هفتم هجری، فضایی را رقم زد که آمدن عنصر جدیدی چون مغولان، به دلیل نبودن در فضای اسلامی می‌توانست سرنوشت ساز باشد.

خلافت بغداد به دلیل عدم کیاست و تدابیر اساسی در اداره امور نظام سیاسی خود و همچنین عدم تدبیر در امور زندگی مردم (بحران مشروعیت و مقبولیت به طور توأمان)، در حفظ موجودیت خود حتی در محدوده بغداد نیز ناتوان بود و مضافاً به این که وجود جریان‌هایی چون اسماعیلیان تا حدودی پایه‌های خلافت را متزلزل کرده بود، وجود چنین زمینه‌هایی، فقط نیازمند یک عامل بیرونی برای برچیده شدن این نهاد (دستگاه خلافت) از سرزمین‌های اسلامی بود و آن عامل عزم مغولان برای فتح بغداد بود.

چنین مقطع تعیین‌کننده تاریخی با وجود خواجه نصیرالدین طوسی توأم شده است و نظام فلسفی، کلامی، سیاسی و اخلاقی خواجه تحت تاثیر این تحول بزرگ در حال وقوع بود و به نوبه خود بر این تحولات نیز تاثیر گذار بوده است. به دنبال تعطیلی نهاد خلافت در سرزمین‌های اسلامی، خواجه با توجه به منظومه فکری - معرفتی خود اقدام به پایه‌گذاری نهضتی علمی در جهت تبیین و نشر تعالیم مذهب تشیع دوازده‌امامی می‌نماید.

نقطه عزیمت و مقصد نهایی اندیشه خواجه در آن فضای تاریخی به وجود آمده، استمرار همان ساختار فلسفه مدنی فارابی در روزگار حذف نهاد خلافت از سرزمین‌های اسلامی است. خواجه با اثبات اندیشه امامت و نقش محوری که امام معصوم در بقای سنت انسانی و فطری فلسفه مدنی دارد، نشان داد که الگوی آرمانی فلسفه مدنی، تنها بر محور امامت، دارای وجود موثر است. در واقع با این پشتوانه

نظری و معرفتی قوی جوامع شیعی از آن ایام به بعد نقش محوری در ایجاد اندیشه و تمدن اسلامی داشته‌اند.

تقریر و ارائه فلسفه مدنی بر اساس تصرفات دائم امام غایب (عج) و استمرار حکمت مدنی در نظر خواجه ابتکاری نو در جهت پاسخ به تحولات اجتماعی - سیاسی آن دوران (حذف خلافت زمینه را برای خواجه فراهم نمود تا از طریق نظریه امامت تشیع به بحران هویت آن عصر پاسخ دهد) بود. فلسفه مدنی منبعث از آموزه‌های شیعی در اندیشه خواجه به سوال جامعه عصر خود (که دچار بحران هویت شده) در دخالت یا عدم دخالت امام غایب و چگونگی تصرف امام پاسخ داد. وی جایگاه مشروعیت دهی و هویت بخشی خلافت را رد نمود و مفهوم مشروعیت و هویت را در نظام معرفتی شیعیان و فلسفه عملی منبعث از آن دنبال کرد.

طرح نظریه امامت و حذف نهاد خلافت، مقدمه ای برای طرح مباحث شیعی در دوره‌های آتی گردید. خواجه پلی ست که فلسفه، سیاست، فقه و کلام را به هم متصل میکند. خواجه تلفیقی از فارابی و ابن سینا ست که با استفاده از کلام، فلسفه مدنی خود را طرح ریزی میکند. در واقع، تفکر فلسفی خواجه به دنبال اتحاد با درک دینی و کلام شیعی است و از درون آن نظریه امامت و قاعده لطف مستخرج می‌شود که وجه تمایز حکمت عملی خواجه با علم مدنی یونانی است.

خواجه اندیشمند دوره گذار است دوره گذار از سنت خلافت به جریان شکل گیری هویت و ملیت ایرانیست. خواجه جایگاه مشروعیت دهی خلافت را به رسمیت نمی‌شناسد و فرایند مشروعیت دهی را نه در تایید نهاد خلافت، بلکه در کارکردهای نظام سیاسی می‌نگرد. تدبیر سیاسی از نظر خواجه معطوف به حفظ قوانین و وجود سیاست و رعایت عدالت و موانست در جامعه است و این مسئله حاکی از یک نظام مشروعیت بخشی درونی است. توجه به درونی بودن فرایند مشروعیت حکومت، شروعی برای تحقق نظام‌های سیاسی ملی ست.

از دیدگاه خواجه، مغولان بی دین اما عادل و سیاست‌دان به مراتب بر خلفای فاسق عباسی ارجحیت دارند. نبود خلافت مانع ادامه حیات سیاسی مسلمانان نیست بلکه با استفاده از عوامل ثبات دهنده نظام سیاسی نظیر رعایت عدالت، قانون‌مندی و محبت و تعاون میان افراد جامعه می‌توان قوام

ملک و مالک را تضمین کرد.

خواجه در عرصه حکومت‌داری و مسائل اجتماعی بهترین راه برای استمرار حیات اجتماعی – سیاسی جامعه خود را در ضرورت استقرار حکومت عادلانه به جای ساختار خلافت دید. خواجه لوازم سیاست در اجتماع را در قالب ناموس (قانون)، حاکم (دولت) و دینار (قدرت مالی) می‌دید و بر آن بود با تکیه بر این سه اصل می‌توان حکومتی عادلانه بنا کرد.

در نظر خواجه عواملی که موجب ثبات و بقای نظام سیاسی می‌شود؛ شامل موارد ذیل است:

#### ۱. عنصر محبت

خواجه معتقد است نیازهای ضروری و اولیه موجب برقراری اولین ارتباطات میان افراد می‌شود، اما آنچه که این ارتباط را برای مراتب عالی‌تر بعد از رفع نیازهای اساسی حفظ می‌کند، محبت افراد نسبت به یکدیگر است. خواجه حفظ محبت را در روابط میان مردم به جهت نقش آن در ایجاد تمدن مهم می‌داند، زیرا به عقیده وی محبت نقش اساسی در محافظت نظام تألف در جامعه دارد.

#### ۲. عنصر صداقت

صداقت از نظر خواجه، نوعی از محبت است که مقوم نظام تألف در جامعه است.

#### ۳. عنصر عدالت

عدالت از دیگر عوامل همبستگی و انسجام یک نظام سیاسی است. این مفهوم با ایجاد وحدت موجب حفظ نظام می‌شود و صفتی است که هم افراد و هم اجتماع و نهادهای آن متصف به آنند و تا زمانی که چنین باشد آنان به اکمل فضایل دست یافته‌اند، زیرا عدالت اکمل فضایل است و اگر اجتماعات بشری دچار فقدان محبت شوند، تنها عامل حفظ نظام آنها عدالت است؛ یعنی اضطراب مردم به اقتضای فضیلت عدالت به سبب فوات شرف محبت است.

#### ۴. عنصر سیاست (درایت حاکم)

سیاست و تدبیر برای بقا و استحکام یک جامعه ضروری است، وجود حاکم به عنوان علت فاعلی سیاست که مدبر، سیاست پرداز و سیاستمدار باشد، ضروری است. در واقع، قوام مدن به ملک است و قوام ملک به سیاست.

## ۵. عنصر قانون

خواجه معتقد است مادامی که انسان با دو قوه شهویه و غضبیه خلق شده باشد، به ناچار باید در پیشگیری از تجاوز به حقوق یکدیگر و ظلم و تعدی به قانونی که بر عدالت و رعایت انصاف مبتنی است، تمسک جوید تا گرایش‌های این قوا و اعمال و افکار حاصل از آن را تعدیل نماید. با مطالعه اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی، می‌توان به این نتیجه رسید که تحولات اجتماعی - سیاسی چون حذف خلافت، بحران هویت در سرزمین‌های اسلامی در نتیجه حذف نهاد خلافت، ورود عنصر مغولان به سرزمین‌های اسلامی تاثیر شگرفی بر نظام فلسفی، کلامی، سیاسی و اخلاقی وی داشته است.

به نظر خواجه، نظامی می‌تواند قوام یابد که اساس و بنیان خود را بر عقلانیت بنا کند، زیرا قوام جامعه به وجود قدرت فائقه دولت بوده و قوام وی به سیاست و تدبیر است و قوام سیاست به عقل باشد و سیاست‌های عملی وی بر اساس نظم، عدالت و محبت میان افراد جامعه باشد. در دیدگاه خواجه، قوانین عادلانه و محبت و احسان میان افراد جامعه، زمینه تحقق یک نظام منسجم و با قوام اجتماعی و سیاسی در جامعه را فراهم می‌کند. می‌توان گفت که فلسفه مدنی خواجه در صدد تبیین اجزا و ساختار یک نظام سیاسی - اجتماعی مطلوب است و به باور وی هر نظام سیاسی برای حفظ و ثبات خود نیازمند توجه به کارکردها و ساختارهای خود آن نظام است و نه مشروعیت دهی عنصری چون خلافت.

## ۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

طرح ریزی نظام سیاسی - اجتماعی پس از فروپاشی نظام خلافت در فلسفه مدنی خواجه نصیرالدین، می‌تواند تبیین کننده اصولی مهم برای مطالعات علم سیاست در ایران معاصر باشد. توجه به فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خواجه در آن برهه زمانی و بازتاب این اقدامات در نظام معرفتی خواجه از مهمترین مسائل در شناخت آن عصر است. پژوهش حاضر با مطالعه این نظام معرفتی سعی در تبیین و شناخت عوامل موثر در بازسازی نظام سیاسی نوین پس از فروپاشی ساختار سابق آن دارد.

مضافاً این که در فضای علمی و دانشگاهی معاصر، کمتر به عوامل محیطی دخیل در یک منظومه فکری پرداخته شده است. مستقل و مطلق دیدن تفکر باعث چشم پوشی از بسیاری ابعاد نهفته در تفکرات و اندیشه های مهم می شود، لذا پرداختن به رابطه میان عوامل محیطی و منظومه های فکری می تواند نوید بخش ظهور و بروز بخش های جدیدتری به نظام معرفتی مان باشد.

### ۳. اهداف پژوهش

نخست؛ تشریح نسبت فلسفه مدنی خواجه نصیرالدین با تحولات اجتماعی - سیاسی دوران حیات وی

دوم؛ ارائه ساختاری منسجم از نظام اندیشه ای خواجه نصیرالدین  
سوم؛ ارائه ساختاری منسجم از میزان تاثیر پذیری و تاثیر گذاری عوامل محیطی و اندیشه های سیاسی خواجه در بستر نظام سیاسی - اجتماعی بعد از فروپاشی

### ۴. پرسش پژوهش

سوال اصلی در این تحقیق آن است که «فلسفه مدنی خواجه نصیرالدین در پاسخ به فروپاشی نظام خلافت چگونه به بازسازی نظام سیاسی پسا خلافت می پردازد؟» در حین بررسی پرسش فوق ضرورت پاسخگویی به برخی سوالات جانبی احساس می شود:

منظومه فکری خواجه نصیرالدین از چه منابع و آبشخورهای فلسفی و معرفتی بهره برده بود؟  
حکمت مدنی خواجه دارای چه مولفه های است و این مولفه های حکمت عملی وی چه تاثیری بر پیشبرد اندیشه سیاسی شیعی داشته است؟

نسبت عوامل اجتماعی - سیاسی حاکم بر قرن هفتم با نظام فکری خواجه چگونه بوده است؟  
پاسخ خواجه به بحران های به وجود آمده در دوران مغولان چه بوده است؟  
تاثیر و تاثر عوامل محیطی (اعم از اجتماعی، سیاسی و تاریخی) آن دوران و فلسفه مدنی خواجه نصیرالدین طوسی چه بوده است؟



## ۵. فرضیه

خواجه نصیرالدین با توجه به تحولات اجتماعی - سیاسی آن دوران در پاسخ به ضعف نهاد خلافت، با اتکاء به نظریه امامت شیعی برای پاسخ به بحران هویت در جامعه و همچنین با تاکید بر ضرورت استقرار حکومت عادل با عناصری چون محبت، صداقت، عدالت، تدبیر و قانون برای پاسخگویی به بحران مشروعیت و ناکارآمدی ناشی از نبود نهاد خلافت، فلسفه مدنی نوینی را طرح ریزی نمود.

## ۶. روش پژوهش

روش تجزیه و تحلیل در این نوشتار، روش کیفی است. از روش های تاریخی، تحلیلی و تفسیری نیز استفاده شد. روش های کتابخانه‌ای، مطالعه متن آثار خواجه نصیرالدین طوسی و همچنین مطالعه آثار تاریخی و وقایع نگاری مربوط به قرن هفتم هجری، از روش های جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش بوده است. برای درک اندیشه هر اندیشمندی نیاز به شناخت متن اندیشه آن و زمینه‌ها و عوامل محیطی موثر در شکل گیری آن تفکر احساس می‌شود. شرایط سیاسی، اجتماعی، هویتی و فرهنگی دوره حیات هر متفکری بسیار حائز اهمیت است. بنابراین برای درک زمینه‌های شکل گیری اندیشه‌ها و میزان تاثیرگذاری آن در تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوران می‌بایست به زمینه و زمانه متفکر رجوع کرد. زمینه‌گرایی این امکان را برای درک نظریه یا شناخت اندیشه‌های متفکران یک دوره زمانی خاص فراهم می‌نماید. در این پژوهش، شرایط و زمینه‌های محیطی (اعم از اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی) قرن هفتم هجری در سرزمین های اسلامی به خصوص تحولات منتهی به فروپاشی خلافت و استقرار نظام پسا خلافت مورد توجه قرار می‌گیرد.

## ۷. تعریف مفاهیم

### ۱-۷. خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ق.) حکیم، متکلم و سیاستمدار قرن هفتم قمری است.

## ۷-۲. فلسفه مدنی

فلسفه مدنی یا حکمت عملی مشتمل بر اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن است. موضوع فلسفه مدنی کنش ارادی انسان است که با خرد و آزادی او بستگی تام دارد و هدفش ایجاد تحول بنیادین در آدمی برای نیل به سعادت حقیقی می‌باشد. در این نوشتار تمرکز بر بخش سیاست مدن حکمت مدنی خواجه است.

## ۷-۳. سقوط خلافت

سقوط خلافت، واقعه‌ای تاریخی که در قرن هفتم به واسطه حمله مغولان در شهر بغداد به وقوع پیوست.

## ۷-۴. پسا خلافت

پسا خلافت، به دوره بعد از سقوط خلیفه المستعصم بالله اطلاق می‌شود.

## ۷-۵. عدالت

عدالت، از نظر افلاطون و ارسطو عدالت در مرتبت و تناسب است. در دیدگاه فارابی عدالت از فضیلت و حکمت ناشی می‌شود. در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی و غزالی، اعتدال میان سه قوه متباین «ناطقه»، «غضبیه» و «شهوانی» از راههای سعادت انسان معرفی می‌شود. شهید مطهری عدالت را به عنوان رعایت حقوق افراد و اعطای حق به ذی حق دانسته و رعایت استحقاق‌ها و اولویت‌ها را شرط عدالت دانسته است.

## ۸. ادبیات پژوهش

پژوهش حاضر به مطالعه ابعاد گوناگونی از سیر زندگی تا آثار خواجه پرداخته است. کتب گوناگونی از نقطه نظرهای متعددی به خواجه و آثار وی پرداخته‌اند. مطالعه این آثار دید وسیعی از آن دوران و آثار خواجه برای نگارنده این رساله به وجود آورده است. یکی از این آثار در باب اندیشه‌های خواجه نصیرالدین طوسی، کتاب نصیرالدین طوسی فیلسوف گفتگو نوشته دکتر ابراهیمی دینانی است.

دکتر دینانی معتقد است آثار برجای مانده از نصیرالدین طوسی نشان می‌دهد که وی همواره با اهل فکر روزگار خود چه به صورت حضوری و چه از طریق مکتوبات به تبادل نظر می‌پرداخته است. دکتر دینانی در این کتاب، نصیرالدین طوسی را در مقام اندیشمندی که راه گفتگو (که همان خصیصه اصلی فلسفه نیز هست) مبنای زندگی وی است، در نظر گرفته است و به ارزیابی آثار وی از این منظر پرداخته است.

برخی از فصل‌های این کتاب عبارتند از: خواجه نصیرالدین طوسی در سنگر دفاع از فلسفه، نقطه آغاز در پیدایش نظر، نگاه عقل از جایگاه ناکجا، بلاغت و حکمت در آثار حکیم طوس، حکمت عملی در نظر حکیم طوس، تاویل در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی.

آثاری در باب اندیشه‌های سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی به رشته نگارش درآمده است. از جمله این آثار کتاب اندیشه‌های سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی نوشته مرتضی یوسفی راد است. موضوع این کتاب، بررسی آراء و نظریات سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی است. در این کتاب آمده است، از یک طرف خواجه طوسی از فیلسوفان سیاسی قرن ۶ - ۷ هجری است که توانست حیاتی دیگر به فلسفه و فلسفه سیاسی بدمد.

مقالات متعددی نیز در باب اندیشه‌های سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی به نگارش درآمده است که هر یک بخش‌هایی از اندیشه‌های خواجه را مد نظر قرار داده‌اند. از جمله این آثار، کتاب استاد بشر به اهتمام آقای معصومی همدانی گردآوری گردید که مجموعه مقالاتی در باب اندیشه‌ها و آرای خواجه نصیرالدین طوسی در علمی چون ریاضی، نجوم و ادبیات است.

کتاب احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی به قلم محمدتقی مدرس رضوی است. این کتاب مشتمل بر ۷۴۷ صفحه می‌باشد. این کتاب، پژوهشی است ارزشمند درباره زندگی، احوال، اندیشه‌ها و آثار مختلف «محمد بن محمد بن الحسن الطوسی»، فیلسوف و دانشمند برجسته ایرانی قرن هفتم هجری قمری که به القابی چون «استاد البشر»، «عقل حادی عشر» و «معلم ثالث» نیز خوانده می‌شده است. مطالب کتاب به طور عمده از نوشته‌ها و آثار «خواجه نصیر» و یا از گفته‌های معاصرین و یا از کتاب‌های تاریخ معتبر و کتب رجال و تذکره‌ها، گردآوری و تدوین شده است. نویسندگان در هر

کجا که بحث و تحقیقی لازم بوده به دلایل روشن و شواهد واضح استناد کرده است. کتاب حاضر که یکی از مهم ترین منابع و ماخذ زبان فارسی برای آشنایی با آثار و اندیشه های «خواجه نصیرالدین طوسی» است، نخستین بار حدود سی سال پیش به چاپ رسیده، و دارای بخش های مختلفی با این عناوین است: معاصران خواجه، اساتید خواجه، چند نفر از فضلاء معاصر وی، همکاران و دستیاران خواجه در رصد مراغه، شاگردان خواجه، آثار خواجه، اشعار خواجه.

کتاب خداوند دانش و سیاست، خواجه نصیرالدین طوسی نوشته اقبال یغمایی است. این کتاب گزارش و تک نگاری ایی از زندگی، زمانه، آثار، افکار و نظریات دانشمند، سیاست مدار، ادیب و فیلسوف ایرانی خواجه نصیرالدین طوسی می باشد. کتاب حاضر از هشت بخش تشکیل شده است؛ بخش اول: دوران دانش اندوزی خواجه و سیاست و کارهای او، بخش دوم: تصنیفها و ترجمهها و تحریرهای خواجه، بخش سوم: افسانه هایی که درباره خواجه نصیرالدین طوسی پرداخته اند، بخش چهارم: استادان خواجه، بخش پنجم: همکاران خواجه در ایجاد رصدخانه ی مراغه، بخش ششم: شاگردان خواجه، بخش هفتم: معاصران خواجه و بخش هشتم: اشعار خواجه به همراه بخش توضیحات و استدراکات در انتهای کتاب.

همچنین کتاب سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی به نگارش محمد مدرسی از دیگر کتابهاییست که در شرح حال زندگانی خواجه به رشته تحریر درآمده است. کتب و مقالات متعددی در باب اوضاع سیاسی - اجتماعی قرن هفتم و دوران زندگانی خواجه نصیرالدین طوسی نگاشته شده است که هر یک به فراخور موضوعات و عناوین این نوشتار استفاده خواهد شد. امید است با نوآوری در موضوع رساله و با در نظر گرفتن کتب و منابع مرتبط و نزدیک به پژوهش حاضر، اثر شایسته و مطلوبی تدوین گردد.

## ۹. فصل بندی پژوهش

در فصل دوم نگاهی مختصر بر زندگی و آثار خواجه نصیرالدین طوسی خواهیم داشت. همچنین به نفوذ و تاثیرگذاری خواجه در ایام خود و در طول قرون پس از حیات وی خواهیم پرداخت.

در فصل دوم به بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی قرن هفتم هجری از جمله زوال نهاد خلافت، ورود مغولان به سرزمین‌های اسلامی، سقوط اسماعیلیه، درگیری‌های مذهبی، سقوط دستگاه خلافت، اهتمام خواجه به ساماندهی اوضاع ملک، توجه به توسعه آبادانی مملکت پرداخته شده است.

در فصل سوم فلسفه مدنی خواجه به طور خاص و نظام فلسفی وی به طور عام مورد مذاقه قرار گرفته است. برای تشریح فلسفه خواجه نصیر به بررسی نظام فلسفی فارابی و ابن سینا پرداخته شده است. در باب مدینه فاضله و ارکان آن از نظر خواجه به تفصیل در ذیل عنوان فلسفه مدنی خواجه نصیر مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل چهارم به بازخوانی فلسفه مدنی خواجه با تاکید بر بازسازی نظام سیاسی پساخلافت پرداخته شده است. عوامل انسجام نظام سیاسی از دیدگاه خواجه، بررسی قاعده لطف و نظام امامت در چارچوب نظام فکری شیعی و همبستگی و انسجام در عصر فقدان خلافت از دیگر عناوین این فصل به حساب می‌آید. در انتهای این رساله نیز به تفکر خواجه برای حل مشکلات جامعه در عصر مغولان خواهیم پرداخت.

## **فصل دوم**

### **تحولات سیاسی قرن هفتم هجری**